

PS Project Syndicate

اهداف ترامپ برای انتخابات میان دوره‌ای

تقریباً یک سال دیگر آمریکایی‌ها برای تعیین اینکه کدام حزب سیاسی کنترل دومجلس کنگره آمریکا را به‌دست می‌گیرند، پای صندوق‌های رای خواهند رفت. حزب جمهوری خواه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا هم‌اکنون کنترل دو مجلس را برعهده دارد اما اکثریت آنها بسیار ناچیز است (در مجلس سنا ۵۳ به ۴۷ و در مجلس نمایندگان ۲۱۹ به ۲۱۳).

در عصر مدرن هیچ سابقه‌ای از حزب یک رئیس جمهور وجود ندارد که از شکست در انتخابات مجلس بتواند اجتناب کند؛ مگر آنکه محبوبیت رئیس جمهور بسیار بالاتر از ۵۰ درصد باشد و در مورد ترامپ، میانگین تعدیل شده نظرسنجی‌های اخیر میزان محبوبیت او را ۴۵/۳ درصد نشان داده‌اند. در شرایط عادی، رئیس جمهور به‌دنبال تقویت جایگاه الکتورال خود خواهد بود. اما ترامپ همچنان بر برخی از سیاست‌های نامحبوب خود اصرار دارد. به‌عنوان نمونه، اظهارات اخیر او نشان می‌دهد با اینکه ۵۸ درصد از آمریکایی‌ها مخالف‌اند اما او به اعزام نیروهای بیشتر وارد ملی به شهرهای تحت کنترل دموکرات‌ها متعهد است. درحالی که قانون Posse Comitatus که در سال ۱۸۷۸ امضا شد استفاده از سربازان فدرال برای اداره داخلی ممنوع می‌کند، قانون شورش که ابتدا در سال ۱۸۰۷ امضا شد استثنایی برای مقابله با شورش‌های خشونت‌آمیز علیه دولت قائل است و ترامپ هم‌اکنون تهدید می‌کند که آن را به‌کار خواهد گرفت. این همان دلبلیی است که ترامپ و مشاورانش به‌طور فزاینده‌ای از عبارت‌هایی مثل «تروریست» و «شورش» برای توصیف هر کسی که با اهداف آنها مخالف است، استفاده می‌کنند. ترامپ اخیراً به‌نادرستی ادعا کرد که «تروریست‌های داخلی» چپ‌گرای پورتلاند، اوزگان را گرفته‌اند (و اضافه می‌کند، به‌طور نامعقولی که این شهر دیگر هیچ مغازه‌ای ندارد.) استنفان میلر، معاون دفتر رئیس‌جمهور که به نظر می‌رسد دخالت بیشتری در اداره امر دارد به‌طور مشایبهی قضات فدرال را که علیه دولت ترامپ حکم داده‌اند را «تروریست‌ها» و «شورش‌گران» خوانده است. او همچنین می‌گوید که دموکرات‌ها حزب سیاسی نیستند اما «یک سازمان تندرو داخلی» هستند. چنین برچسب‌هایی اهمیت دارند چون ترامپ بنویه خود به‌وضوح توضیح می‌دهد که چگونه باید با تندروها برخورد کرد. او اکتبر گذشته به فاکس نیوز گفت،

اگر «دیوانه‌های چپ‌را دیگال» در روز انتخابات مشکلی ایجاد کنند، این مشکل «به‌سادگی باید در صورت لزوم از سوی گارد ملی حل شود یا اگر واقعاً لازم باشد از سوی ارتش». این اشاره به روز انتخابات تصادفی نیست. علاوه بر آن اظهارات پیرامون هویت دقیق دشمن در خدمت اهداف ترامپ است. همانطور که او اخیراً در جمع ۸۰۰ نفری از رهبران ارشد نظامی گفت، همین کافی است که بگویید آمریکا با «حمله‌ای از درون... که تفاوتی با یک دشمن خارجی ندارد» مواجه است. البته هیچ دشمنی در داخل وجود ندارد، همانطور که هیچ شهری از جرم و جنایت خارج از کنترل یا تهدید شورش یا ترور رنج نمی‌برد. اینها اقدامات یک رهبر اقتدارگراست که قبلاً سعی کردند یک انتخابات را بدرندند و هیچ تردیدی در مورد ردین انتخابات بعدی نخواهد داشت. ترامپ نمی‌تواند به انتخابات عادلانه اهمیتی ندهد. او فقط به قدرت اهمیت می‌دهد و برای حفظ آن در اشغال نظامی شهرهای آمریکا تردید نخواهد کرد. این اولین باری است که در ایالات متحده از نظامیان ایالتی برای اهداف سیاسی استفاده می‌شود. زمانی که بسیاری از ایالت‌های جنوبی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با لغو جداسازی نژادی در مدارس مخالفت کردند، فرمانداران ایالتی از گارد ملی خواستند تا مانع از ثبت‌نام دانش آموزان سیاه‌پوست در مدارس دولتی کاملاً سفیدپوست شود (در لیتل راک، آرکانزاس درسال ۱۹۵۷ و در دانشگاه می‌سی‌سی‌پی در سال ۱۹۶۴). دوايت دی. آیزنهاور (جمهوری خواه)، جان اف کندی (دموکرات) و لیندون بی جانسون (دموکرات) در نهایت گارد ملی را فدرالی کردند تا با مقاومت ایالت‌ها در برابر لغو تبعیض نژادی و حق رای برابر مقابله کنند. اما در چرخشی کاملاً عجیب ترامپ اکنون شهرهای عمدتاً دموکرات مانند شیکاگو را با نیروهای گارد ملی از ایالت‌های جنوبی سمپات مانند تگزاس اشغال کرده که به‌نظر می‌رسد اختلافات عمیق منطقه‌ای که منجر به جنگ داخلی و دوران برتری سفیدپوستان جنوبی که پس از جنگ داخلی به اوج رسیده بود را احیا و معکوس می‌کند. در ظاهر به‌نظر می‌رسد اعزام نیروهای گارد ملی از ایالت‌های حامی ترامپ ممکن است با هدف اجرای فزاینده و تهاجمی سیاست‌های نژادپرستانه و ضد مهاجرتی دولت صورت بگیرد. اما این امر زمینه را برای تصاحب قدرت فراهم می‌کند. وفاداری این نیروها به ترامپ ممکن است احتمال دریافت و سپس پیروی از دستورات برای بررسی دقیق رای‌دهندگان «فاقد صلاحیت» (به‌ویژه غیرسفیدپوست) در روز انتخابات را افزایش دهد. ترامپ فقط کافی است نیروهای گارد ملی مسلح را در محله‌های «خصومت‌آمیز» که پر از «افراط‌گرایان» و «تروریست‌ها» هستند، مستقر کند تا رای‌دهندگان را بترساند و منصرف کند. این واقعیت که ترامپ بر سیاست‌های نامحبوب خود اصرار دارد، نشان می‌دهد که مقدمات عمدی برای ایجاد اختلال در انتخابات میان دوره‌ای آزاد و عادلانه در حال انجام است.

بین‌الملل INTERNATIONAL



الکساندر ساروویچ

خبرنگار اسپیکل

به‌نظر نمی‌آید ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه علاقه‌ای به صلح در اوکراین داشته باشد و هیچ چشم‌اندازی از پایان جنگ دیده نمی‌شود. کی‌یف بیش از پیش به این نتیجه رسیده است که کشور ش هر آنچه می‌تواند باید انجام دهد تا امنیت خود را تضمین کند.

سوکیل یک سرلشکر اوکراینی است. او می‌گوید روس‌ها برای بار دیگر تاکتیک‌های خود را تغییر داده‌اند. چند ماه پیش، آنها واحدهای کوچکی را به درگیری اعزام کردند اما حالا، اکثر سربازان به‌طور فردی عمل می‌کنند و آنها دیگر به‌دنبال مبارزه نیستند، در عوض ترجیح می‌دهند تا دزدکی پیش روند و منتظر حمایت هوایی باقی بمانند. سوکیل می‌گوید: «پهپادهای FPV (مخفف نمای اول شخص) همه‌جا هستند.»

اواخر یک شب آرام تابستانی، سوکیل در مزرعه‌ای در مرز غربی دونباس در حال استراحت است و پکی به سیگارش می‌زند. کنار سوکیل مرکز فرماندهی یگان قرار دارد و سربازان این یگان در شیفت‌های ۱۲ ساعته کار می‌کنند؛ ۶ مرد چشم‌هایشان را ریز کرده‌اند، مقابل هشت صفحه مانیتور نشسته‌اند که تصاویر مادون قرمز از میدان جنگ را نشان می‌دهند: خندق‌های ضدتانک، پل‌های بمباران شده و روستاهای ویران.

پیش از جنگ سوکیل، با نام مستعار شاهین، یک مغازه میل‌فروشی در غرب اوکراین داشت و برای شرکت در نمایشگاه‌های تجاری به کلن و دیگر شهرهای اروپایی سفر می‌کرد. امروز این مرد ۳۴ ساله فرماندهی یک گردان در یگان شصت‌وهشتم را برعهده دارد. در طول حدوداً یک سال گذشته یا حتی بیشتر، او و یگانش مسئولیت دفاع از پوکرووسک یکی از آخرین سنگرهای باقیمانده اوکراین در منطقه دونباس را برعهده داشته‌اند.

قرار بود این شهر معدن خیز مدت‌ها قبل به‌دست روس‌ها بیفتد. دست‌کم این پیش‌بینی کارشناسان در پاییز گذشته بود اما سربازان اوکراینی در این بخش از جبهه با مهارت و استقامت و با سختی‌های زیاد به حفظ این شهر مهم استراتژیک ادامه داده‌اند.

▼پهپادهای دشمن تجهیز دوباره را سخت می‌کند

اخیراً سربازان روسی از مرز غربی دونباس وارد شدند و در اواسط ماه اوت اولین روستاها در منطقه نیپروپروفسک را اشغال کردند. سوکیل گزارش می‌دهد اوکراینی‌ها توانستند آنها را به عقب برانند اما روس‌ها از آن زمان حملات بیشتری را انجام داده‌اند، دست‌کم ۱۰ حمله در هر روز، با دو یا سه حمله دیگر در شب. پهپادهای دشمن همچنین تلاش برای تجهیز نیروها را با چالش روبه‌رو کرده است. سوکیل می‌گوید: «زمانی می‌رسد که هیچ‌کس نه می‌تواند وارد شهر شود نه آن را ترک کند و بعد ما مجبور می‌شویم عقب‌نشینی کنیم.»

مرکز فرماندهی این واحد از قبل به نزدیکی مرکز بین دونباس و نیپروپروفسک منتقل شده بود و سربازان اوکراینی مدت‌هاست که برای جنگ در همسایگی خود آماده می‌شوند. آنها ماه‌ها پیش خندق‌هایی را کنندند و سیم‌های خاردار و تله‌های تانک‌ها را کار گذاشتند. در ایین میان سوکیل می‌گوید روسیه در حال تجمع نیروهای خود برای فاز بعدی حمله است. او می‌گوید هیچ پایانی برای حملات آنها دیده نمی‌شود.

▼پوتین برنامه‌های دیگری داشت

تنها چند هفته از طوفان دیپلماسی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا به‌منظور دستیابی به صلح در اوکراین گذشته است. در اواسط ماه اوت، ترامپ با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در آلاسکا دیدار کرد. چند روز بعد، میزبان ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین و شرکای اروپایی اش در کاخ سفید بود.



آندری زاگورودنیوک:

یک سناریوی

بخش‌وصی را تصور

می‌کند: روسیه به

جنگ ادامه می‌دهد،

احتمالاً سال‌ها، این

حملات نمی‌توانند

نیروهای دفاعی

اوکراین را در هم

شکنند و مردم

اوکراین برای بار دیگر

می‌تواند به زندگی

عادی خود ادامه

دهند، حتی اگر جنگ

رسماً پایان نیابد.

وزیر دفاع پیشین

می‌گوید: «این مسیر

متفاوتی خواهد بود.

اما ارتش ما هم‌اکنون

ثابت کرده که

می‌تواند این کار را

انجام دهد.»

ترامپ نشست آلاسکا را «تاریخی» توصیف کرد و از خود بابت موفقیت ادعایی و افزایش احتمال نشست سه‌جانبه با پوتین و زلنسکی تقدیر کرد. مذاکراتش با اروپایی‌ها بر ضمانت‌های امنیتی آتی برای کشور جنگ‌زده متمرکز بود؛ دورانی که پس از خاموشی سلاح‌ها آغاز می‌شود.

اما پوتین طرح‌های متفاوتی داشت. به‌جای دیدار با زلنسکی به حملات پهپادی شبانه به اوکراین ادامه داد. ارتش او هم برای ادامه حملات در دونباس باقی ماندند. پس از چند هفته دیپلماسی سرآسیمه گرد و غبار فروکش کرده است. آنچه باقی‌مانده حقیقت آشنا و تأمل‌برانگیز جنگ است: روسیه حمله می‌کند، اوکراین برای دفاع از خود دست و پا می‌زند.

سوکیل می‌گوید، اوکراینی‌ها توانسته‌اند با استفاده مبتکرانه از پهپادها سرعت پیشروی‌های روسیه را کُند کنند. اما همچنان به تعداد بیشتری نیاز دارند. او می‌گوید، کمبود تعداد کافی نیروها در هر பிரگاردی احساس می‌شود.

این فرمانده می‌گوید، شرایط برای رقبای اوکراینی متفاوت است: «فکر نمی‌کنم نفس کم بیاورند. اینجا کشوری با ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت است و خیلی از آنها حاضرند برای پول بجنگند.» سوکیل می‌گوید سربازانش اخیراً یک سرباز روسی را به اسارت گرفتند که به آنها گفته بود فقط برای امضای قرارداد عضویت در ارتش ۵۰هزار دلار دریافت کرده است.

کرملین انعطاف‌ناپذیر است و افراد بسیاری در اختیار دارد. در این میان در آینده نزدیک اوکراین نه یک پیروزی در میدان جنگ نه یک راه‌حل در میز مذاکراه دیده نمی‌شود. از این پس این کشور چه کار می‌تواند انجام دهد؟ چه استراتژی‌ای را دنبال خواهد کرد؟

▼طرحی برای دفاع درازمدت از اوکراین

آندری زاگورودنیوک که از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ به‌عنوان وزیر دفاع اوکراین خدمت کرده، مدت‌هاست به‌دنبال پاسخی برای این سوال است. امروز، او رئیس «مرکز استراتژی‌های دفاعی»، یک اندیشکده امنیتی در کی‌یف است. پس از یک شبی که آژیرهای هشداردهنده به طور مرتب به‌صدا درآمنند، در رستوران یک هتل در حومه شهر با فردی قرار ملاقات داشت.

زاگورودنیوک می‌گوید این حقیقت که درباره ضمانت‌های امنیتی صحبت می‌شود امر خوبی است. او اروپایی‌ها را مجبور کرد تا در نظر بگیرند که چه مشارکت ملموسی می‌توانند داشته باشند اما در نهایت، چنین مذاکراتی بر دوران پس از آتش‌بس متمرکز است. او می‌پرسد: «اگر جنگ تمام نشود چه اتفاقی می‌افتد؟» زاگورودنیوک می‌گوید روسیه دارد آماده می‌شود که جنگ چند سال دیگر ادامه داشته باشد. او اشاره می‌کند، از نظر داخلی، پوتین می‌تواند بر کارآمدی سرکوب حساب کند، در عین حال سراغ شرکایی مثل چین و دیگر کشورهای خارجی رود. او می‌گوید اقتصاد روسیه کاملاً

این جنگ ادا

با اینکه کی‌یف نمی‌تواند از عهده یک جنگ فرسایشی با مسکو ب

معطوف به جنگ است و به‌رغم مشکلات کشور سقوط آن محتمل نیست. زاگورودنیوک می‌گوید علاوه بر آن چند ماه گذشته نشان داده است که رئیس دولت روسیه لزوماً نباید از فشارهای دولت آمریکا بترسد: «تمام این موارد پوتین را متقاعد کرده که زمان به نفع اوست. بازدارندگی دیگر با او سازگار نیست.»

وزیر دفاع پیشین می‌گوید اوکراین و شرکایش باید واکنش نشان دهند. آنها باید کشوری را بسازند که به‌رغم تهدیدهای نظامی مداوم از سوی روسیه در درازمدت خودمختار و امن خواهد بود. زاگورودنیوک برای رسیدن به این هدف مفهومی را بسط داده که آن را «خنثی‌سازی راهبردی» خطاب می‌کند.

بر این اساس، کی‌یف دیگر نمی‌تواند امیدوار باشد که دشمن خود را در میدان جنگ نابود کند. نمی‌تواند روی رژیم مسکو هم شرط ببندد که به دلیل فشار دیپلماتیک و اقتصادی دست از جنگ بکشد. در عوض دستاورد جنگی اوکراینی‌ها باید کاهش شدت حملات روسیه باشد. زاگورودنیوک یک سناریوی بخصوصی را تصور می‌کند: روسیه به جنگ ادامه می‌دهد، احتمالاً سال‌ها. این حملات نمی‌توانند نیروهای دفاعی اوکراین را در هم شکنند و مردم اوکراین برای بار دیگر می‌توانند به زندگی عادی خود ادامه دهند، حتی اگر جنگ رسماً پایان نیابد.

وزیر دفاع پیشین می‌گوید: «این مسیر متفاوتی خواهد بود. اما ارتش ما هم‌اکنون ثابت کرده که می‌تواند این کار را انجام دهد.» زاگورودنیوک به کمپین نظامی موفق اوکراینی‌ها در دریای سیاه اشاره می‌کند. حملات آنها با پهپادهای دریایی که در داخل کشور تولید شده‌اند و موشک‌های ضدکشتی ممکن است ناوگان روسیه را که زمانی به آن افتخار می‌کرد نابود نکرده باشند اما از اثر آن به عنوان فاکتوری در جنگ کم کرده است. مسکو مجبور شد تا بیشتر کشتی‌های خود را به بخش شرقی دریای سیاه بررد و امروز اوکراین می‌تواند نسبت به سال‌های گذشته کالاهای بیشتری را از طریق دریا صادر کند.

این ایده که از سوی وزیر دفاع سابق توسعه یافته، دکترین رسمی اوکراین نیست؛ در عمل توصیفی است از مسیری که اوکراین پیش گرفته است. در قلب آن ایسن باور وجود دارد که این ایده از زمانی که آمریکا در دولت ترامپ مسیر خود را تغییر داده، به‌طور فزاینده‌ای ریشه دوانده است: چنانچه اهمیت کمک‌ها از سوی شرکای اوکراین ادامه دارد، برای اوکراین بهتر است امنیت خود را تضمین کند.

▼روزها در نمایشگاه، شب‌ها با پهپادها

مطابق یک نظرسنجی، اکثریت شهروندان اوکراینی، کمک‌های مالی ثابت و ارسال سلاح برای نیروهای مسلح را به حضور سربازان خارجی ترجیح می‌دهند. «جوجه‌تیغی»

